



### آتش نشانی، غواصی و خاطرات

#### کشتی، آتش نشانی و غواصی، ۳ ضلع زندگی

اگر کشتی بخش نخست زندگی کاظم آقا باشد، آتش نشانی فصل دیگری از آن است. او سال ۱۳۸۹ در آتش نشانی استخدام شده است؛ شغلی که از کودکی برایش آشنا بود. پدرش آتش نشان بوده و گاهی همراه او به محل کارش می رفته است. همان جابادیدن تلاش و تکاپوی آتش نشانان جذب این حرفه شد. اما او به آتش نشانی معمولی بسنده نکرد و یک سال بعد از استخدام، سراغ غواصی رفت؛ تخصصی که خودش آن را یکی از سخت ترین و پرریسک ترین بخش های آتش نشانی می داند. او می گوید: کلا عاشق کارهای پرهیجان و پرریسک هستم.

او در حال حاضر معاون شیفت ایستگاه آتش نشانی ۶ است و در حوزه غواصی و نجات تخصص دارد. مدرس ارشد دو ستاره فدراسیون جهانی غواصی است و دوره های آموزشی غواصی رانیز برگزار می کند. مدارک غواصی را در قشم گرفته است و به دلیل حوادث غرق شدگی در سدها و منابع آبی اطراف مشهد، این تخصص را بسیار کاربردی می داند. او می گوید: نیروهای متخصص غواصی در مواقع بحرانی مثل سیل به محل حادثه می روند تا پیکر افرادی را که غرق شده اند، پیدا کنند یا اگر کسی در مسیر سیل گیر کرده است، نجاتش بدهند. سیل سال های گذشته در آق قلا و سیستان و بلوچستان از جمله مأموریت هایی بوده است که در آن ها حضور داشته ام.

کشتی، آتش نشانی و غواصی: سه مسیری که شاید در نگاه اول ارتباط زیادی باهم نداشته باشند، اما برای کاظم آقا سه ضلع تکمیل کننده زندگی اش هستند. او می گوید هر سه را دوست دارد و هر زمان فرصتی پیدا کند، به یکی از این تخصص های پر دزد و در کنار آن، زمانی رانیز برای خانواده اختصاص می دهد. او می گوید: کسی که عاشق کاری باشد، باید تلاش کند. جذابیت عشق به رسیدن آن است. عاشق آتش نشانی و غواصی هستم، با اینکه بسیار سخت، پرریسک و خطرناک اند. اگر عاشق این دو تخصص نباشی، ورود به آن دیوانگی محض است.

#### غواصی، جایی میان هیجان و تلخی

برای مختاری، غواصی دو چهره متفاوت دارد: یک سوی آن آموزش، تجربه های تازه و سفر به جنوب کشور و دیدن دنیای زیر آب است و سوی دیگر، مأموریت هایی که گاهی پایان خوشی ندارند. او می گوید: تلخ ترین بخش این حرفه، مواجهه با حوادث غرق شدگی است؛ زمانی که تیم غواصی دیگر برای نجات وارد آب نمی شود، بلکه مأموریت دارد تا فرد غرق شده را پیدا کند.

یکی از تلخ ترین خاطرات کاری اش به حادثه ای در شب چهارشنبه سوری برمی گردد؛ او می گوید: چند سال پیش، شب چهارشنبه سوری باران می بارید و به ایستگاه ما خبر دادند که یک دختر حدودا هفت ساله در میدان مادر، زمان گذشتن از جوی آب داخل آن افتاده و جریان آب او را با خود برده است. چند ساعت در کانال ها دنبالش گشتیم؛ در نهایت در میدان معراج او را پیدا کردیم. تا چند روز بعد از این حادثه حالم خراب بود.

#### تلخ و شیرین آتش نشانی کنار هم

وقتی صحبت از خاطرات آتش نشانی می شود، کاظم آقامی گوید همه لحظات این حرفه برایش خاطره شده است، اما بعضی خاطرات را نمی شود به راحتی فراموش کرد.

یکی از تلخ ترین آن ها مربوط به سال گذشته است؛ حادثه آتش سوزی که در آن همراه با شهید رضا فخریان برای عملیات رفت اما او برنگشت. کاظم آقامی گوید: سه نفر به طبقه پایین و انبار رفتیم و دو نفر برگشتیم. همین یک جمله برای روایت تلخی آن روز کافی است. اما در میان خاطرات سخت، خاطره ای هم دارد که آن را یکی از بهترین لحظات زندگی حرفه ای خود می داند: نجات یک دختر جوان از حادثه ای در پل امام حسین (ع)؛ در لحظاتی که می خواست خودش را از پل پرت کند، به او رسیدیم و نگهش داشتیم. چند روز بعد، شهردار وقت مشهد، من را دعوت کرد و گفت که آن روز در سازمان ترافیک بوده و از طریق دوربین های شهری حادثه را دنبال می کرده است و نگران بوده که من هم همراه دختر به پایین پرت شوم. وقتی فهمیدند که کشتی گیر هستیم، خوشحال شدند و همین را عامل موفقیت بیشتر عملیات در آن روز دانستند.

### قهرمانی ها

#### کری خواندن حریف برای من

همان طور که از بچه های خواهد تمریناتشان را با دقت انجام دهند و کمر حریف را درست بگیرند، از روزهایی تعریف می کند که با نشان آتش نشان در مسابقات جهانی درخشید. کاظم آقا مسیر کشتی را از نونهالان آغاز کرده و تارده بزرگ سالان ادامه داده است. در این سال ها در مسابقات مختلف استانی، کشوری و بین المللی حضور داشته است. سال ۲۰۱۸ در مسابقات جهانی آتش نشانان در کره جنوبی، در وزن ۷۴ کیلوگرم برای تیم آتش نشانان جمهوری اسلامی ایران کشتی گرفته و به مقام سوم رسیده است. این مسابقات نخستین تجربه برون مرزی او بوده است.

چهار سال بعد، در مسابقات جهانی آتش نشانان و پلیس هادر هلند، این بار در وزن ۸۶ کیلوگرم روی تشک رفت و با پیروزی مقابل حریف مغولستانی، عنوان قهرمانی را به دست آورد. خودش آن مسابقه را این طور روایت می کند: حریف مغولستانی هیکل ورزیده ای داشت و پیش از مسابقه بارزه رفتن و کوری خوانی، فضای خاصی ایجاد کرده بود. دوستانم به شوخی می گفتند که حریفم من را زیر تشک می کند، استرس مسابقه زیاد بود. اما یکی از مسئولان تیم پیش از کشتی به من روحیه داد و خواست ذکر، یا قاضی الحاجات، را تکرار کنم. می گفت اگر قهرمان شوی، خودم دور زمین روی شانه دورت می دهم. در نهایت همان اول مسابقه با فن یک دست، یک بار از او ۱۰ امتیاز گرفتم و هر بار سعی می کرد، امتیاز را جبران کند و باره عقب می افتاد و به این ترتیب قهرمان جهان شدم.

او اکنون خودش را برای مسابقات سه ماه بعد آتش نشان های جهان آماده می کند که در کشور عربستان صعودی برگزار می شود.

### گفت و گو با نونهالان و نوجوانان

#### رشد نسل جدید کنار تشک

دور تا دور سالن کشتی در مجتمع ورزشی اندرزگو و پوریا ولی، نوجوانانی تمرین می کنند که بعضی از آن ها چند سال بیشتر نیست وارد این رشته شده اند. کاظم آقا حالا بخشی از وقتش را صرف همین نسل می کند؛ نوجوانانی که شاید سال ها بعد خودشان قهرمان، مربی یا حتی داور شوند. یکی از آن ها امیر ارسلان خوانسالار، نوجوان شانزده ساله ای است که می گوید خانواده اش بیش از پنجاه سال است با کشتی زندگی می کنند. او کاظم آقا را نخستین بار دو سال پیش در مسابقه باشگاه های مشهد دید، زمانی که داور فینال بود. امیر ارسلان می گوید: استاد مختاری داور، مربی و کشتی گیر بزرگی هستند و در این سالن و روی تشک کشتی درس های زیادی همچون نظم، ادب و احترام و فنون مختلف کشتی را از او آموختم و توانستم در مسابقات مختلف استانی و کشوری موفق باشم. حسین قاسم پور هجده ساله نیز برای تمرین از محله سیدی، خودش را به این سالن می رساند. او دلیل حضورش در کشتی را مربیانی مانند مهدی مروی و کاظم مختاری می داند و می گوید: سطح فنی کاظم آقا خیلی بالاست. اما آنچه برای استاد اهمیت بیشتری دارد اخلاق است؛ او به ما می آموزد که چطور ادب را پیش بزرگ تر و کوچک تر از خود مان رعایت کنیم، همچنین از استاد نکات مهمی درباره تغذیه و ورزشی یاد گرفتیم.

ابوالفضل قاسمی، نوجوان سیزده ساله، نیز بعد از تجربه کاراته، کشتی را انتخاب کرده است. او می گوید: از استاد علاوه بر فنون کشتی، مرام پهلوانی یاد گرفتم. کاظم آقا الگوی ما هستند؛ هیچ وقت صدايش را بلند نکرده است و همیشه با صبر و حوصله به سوالاتم پاسخ می دهد.

کسری سرابی دوازده ساله نیز دو سال است کشتی می گیرد. پدر و برادرش کشتی گیر هستند و همین موضوع باعث شده است او هم وارد این رشته شود. از کاظم آقا چیزی فراتر از فنون کشتی یاد گرفته است: کمک به دیگران و مهربانی. او می گوید: بارها دیدم که استاد چطور به هم سن و سال هایم کمک می کند تا فنون را درست و اصولی انجام دهند.

سید ابوالفضل کاظمی چهارده ساله ابتدا فوتبال بازی می کرد. اما با دیدن مسابقات کشتی تصمیم گرفت این رشته را انتخاب کند. او بارها از کاظم آقا شنید که کشتی را فقط برای رسیدن به قهرمانی دنبال نکنند، بلکه با مرور زندگی پهلوانان این رشته، درس هایی مثل صبر و گذشت را بیاموزند.